



جمهوری اسلامی ایران

مدیریت حوزه علمیه استان قم

رساله علمی سطح سه

حضرت علی علیه السلام در عبارات ابن تیمیه

«بررسی عبارات مربوط به امیرالمؤمنین علیه السلام در جزء پنجم منهاج السنه»

استاد راهنما: حجه الاسلام عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی

استاد مشاور: حجه الاسلام دکتر حمید کریمی

نگارنده: سید محمد علی میرصانعی

چکیده

شیعه معتقد به امامت بلافضل حضرت علی علیه السلام است. علامه حلی در کتاب منهاج الکرامه به تبیین براهین امامیه در این موضوع پرداخته و برخی اهل سنت نیز در ردّ ادله او دست به قلم شده اند. یکی از کسانی که به ردّ دلائل علامه پرداخته، ابن تیمیه است که کتاب منهاج الکرامه را در هشت جزء نقد نمود و نام آن را منهاج السنه گذاشت.

وی در جزء پنجم این کتاب به نقدهای و روایاتی پرداخته که علامه حلی برای اثبات افضلیت حضرت علی علیه السلام و در نتیجه تعیین امامت آن حضرت آورده است. اودر غالب موارد سند احادیث را تکذیب کرده و یا اشکالاتی به محتوای روایت گرفته و از این راه منکر صدور آن شده است. در این نوشتار سعی شده، سند روایات تصحیح شود و اشکالات و تناقضاتی که ابن تیمیه در متن حدیث مطرح نموده نیز، پاسخ داده شود.

در فصل اول کلیاتی از زندگانی ابن تیمیه و روش او در نقد اندیشه های مخالفین و طرز تفکر او و مقایسه آن با تفکرات سلف، بیان شده است. ابن تیمیه که تنها سه فضیلت از فضائل امیرالمومنین علیه السلام را صحیح می داند، سعی در تصحیح و تضعیف دیگر فضائل آن حضرت نموده و آن سه فضیلت را نیز طوری معنا کرده که شامل عده زیادی می شود.

در فصل دوم آیه تطهیر، آیه نجوا و آیه سقاییت محور بحث قرار گرفته و روایات شان نزول این آیات و چگونگی دلالت آنها بر افضلیت حضرت علی علیه السلام به همراه اشکالات ابن تیمیه بررسی شده است.

در فصل سوم روایات مربوط به افضلیت حضرت علی علیه السلام که ابن تیمیه در جزء پنجم منهاج السنه نقد کرده، بررسی شده و به اشکالات سندی و دلالتی که وی مطرح کرده پاسخ داده شده و بی اساسی آن اشکالات به اثبات رسیده است. غالب روایات این فصل از جمله دلائل افضلیت حضرت امیر علیه السلام است که درباره آنها تحقیق عمیقی از حیث سند و دلالت انجام نگرفته است. این روایات عبارتند از: حدیث وصایت، حدیث «الصدیقون ثلاثه»، روایت «انت منی و انا منک»، حدیث معراج، روایت «لا سیف الا ذو الفقار و لا فتی الا علی»، روایت «حب علی بن ابی طالب حسنه لاتضرر معه سیئه»، حدیث «ان علیا رایه الهدی»، حدیث «سلونی قبل ان تفقدونی» و حدیث اشباه، و روایت ابن عباس درباره فضائل دهگانه امیرالمومنین علیه السلام.

فصل چهارم درباره بررسی چند صفحه ابتدایی جزء پنجم منهاج السنه است که یک بحث تاریخی می باشد. ابن تیمیه در این قسمت بین آنها که حضرت علی علیه السلام را دوست دارند و با دیگر خلفا دشمنند، و آنان که دشمن آن حضرت هستند و خلفا را دوست دارند، مقایسه کرده و گروه دوم را برتری داده است. نگارنده در این فصل ادله او را بررسی نموده و یک یک آنها را ابطال نموده است.

کلیدواژه ها: علی بن ابی طالب علیه السلام، افضلیت، ابن تیمیه، سلفیه.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات
۴	ابن تیمیه کیست؟
۶	آشنائی با کتاب منهاج السنه
۹	عداوت ابن تیمیه با اهل بیت <small>علیهم السلام</small> مخصوصاً علی <small>علیه السلام</small>
۱۰	سلفیه چه کسانی هستند
۱۱	تعارض برخی اندیشه های ابن تیمیه با عقائد سلف
۱۴	فصل دوم: ابن تیمیه و آیات نازل در شأن حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۱۵	گفتار اول: ابن تیمیه و آیه تطهیر
۱۶	اشکال اول: وجود افراد دیگر غیر از حضرت علی <small>علیه السلام</small> در حدیث کساء
۱۷	اشکال دوم: عدم ثبوت طهارت تکوینی با حدیث کساء
۲۱	گفتار دوم: ابن تیمیه و آیه نجوی
۲۲	اشکال
۲۳	بررسی
۲۸	گفتار سوم: ابن تیمیه و آیه سقایه
۲۹	اشکال اول: عدم وجود این روایت در کتب معتبر
۳۳	اشکال دوم: عدم وجود طلحه بن شیبه در عالم واقع
۳۴	اشکال سوم: عاقلانه نبودن افتخار به ماندن در کعبه
۳۵	اشکال چهارم: نزدیکی فاصله ایمان آوردن حضرت علی <small>علیه السلام</small> با برخی از صحابه
۴۱	اشکال پنجم: منحصر نبودن جهاد به حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۴۲	اشکال ششم: تعارض با حدیث صحیح مسلم
۴۳	اشکال هفتم: برتری ایمان و جهاد ابو بکر و عمر از ایمان و جهاد حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۴۷	فصل سوم: ابن تیمیه و روایات وارد در شأن حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۴۸	گفتار اول: ابن تیمیه و حدیث وصایت
۴۸	بررسی سند حدیث وصایت
۵۰	اشکال: کذب بودن حدیث
۵۵	بررسی دلالت حدیث وصایت
۵۸	گفتار دوم: ابن تیمیه و روایت «الصدیقون ثلاثه»
۵۹	اشکال اول: وجود عمرو بن جمیع در این حدیث
۶۳	اشکال دوم: ثبوت عنوان صدیق بر ابو بکر
۶۶	اشکال سوم: عدم انحصار عنوان صدیق به این سه نفر
۶۸	اشکال چهارم: ثبوت عنوان صدیق برای حضرت مریم <small>علیها السلام</small>
۶۸	اشکال پنجم: تعارض این حدیث با روایت «کمل من الرجال کثیر»
۶۹	اشکال ششم: عدم امکان حمل این روایت بر اعلی مرتبه صدیقین

- ۷۰ اشکال هفتم: ثبوت عنوان صدیق برای برخی از انبیاء علیهم السلام در قرآن
- ۷۲ گفتار سوم: ابن تیمیه و روایت: «انت منی و انا منک»
- ۷۲ اشکال: عدم تخصیص این حدیث به حضرت علی علیه السلام
- ۷۷ گفتار چهارم: ابن تیمیه و حدیث معراج
- ۷۹ اشکال اول: تقدم معراج بر صدور حدیث منزلت
- ۸۲ اشکال دوم: عدم انحصار جانشینی در غزوات به حضرت علی علیه السلام
- ۸۶ گفتار پنجم: ابن تیمیه و حدیث «لافتی الاعلی»
- ۸۷ اشکال اول: کذب بودن ندای «لافتی الاعلی» در جنگ بدر
- ۹۲ جمع بندی احادیث
- ۹۴ اشکال دوم: عدم دلالت فتی بر مدح
- ۹۶ اشکال سوم: عدم نیاز پیامبر صلی الله علیه و آله به افتخار به جد و پسر عمویش
- ۹۷ اشکال چهارم: تکذیب حدیث مواخات
- ۹۸ اشکال پنجم: تعلق ذوالفقار به ابوجهل
- ۱۰۰ گفتار ششم: ابن تیمیه و حب علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۱۰۰ حدیث اول: «حب علی بن ابی طالب حسنه لاتضر معها سیئه»
- ۱۰۱ اشکال اول: عدم اعتبار احادیث کتاب فردوس
- ۱۰۲ اشکال دوم: اضرار گناه به دوستان خدا علیهم السلام
- ۱۰۵ اشکال سوم: عدم تاثیر حب حضرت علی علیه السلام در نجات ابوطالب علیه السلام
- ۱۰۷ اشکال چهارم: نارضایتی حضرت علی علیه السلام از دوستان خود
- ۱۰۷ اشکال پنجم: عدم اضرار بغض حضرت علی علیه السلام
- ۱۰۹ حدیث دوم: «حب آل محمد خیر من عبادہ سنه و من مات علیہ دخل الجنة»
- ۱۰۹ اشکال: برتری یک سال عبادت خدا علیهم السلام از یک روز حب آل محمد علیهم السلام
- ۱۱۱ حدیث سوم: «لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب لما خلق الله النار»
- ۱۱۱ اشکال: عدم انتفاع حب حضرت علی علیه السلام بدون ایمان و عمل صالح
- ۱۱۴ گفتار هفتم: ابن تیمیه و روایت «ان علیا رایه الهدی»
- ۱۱۵ اشکال اول: عدم اعتبار روایات حلیه الاولیاء
- ۱۲۰ جمع بندی روایات
- ۱۲۰ اشکال دوم: تخصیص عنوان «کلمه» به حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۲۳ گفتار هشتم: ابن تیمیه و علم حضرت علی علیه السلام
- ۱۲۳ روایت اول: «سلونی قبل ان تفقدونی»
- ۱۲۵ اشکال اول: افتخار نبودن گفتن این کلام در میان جهال کوفه
- ۱۲۷ اشکال دوم: وجوب حکم بر اهل کتاب بر اساس قرآن
- ۱۲۹ روایت دوم: «من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه ...»
- ۱۳۰ اشکال: تکذیب حدیث
- ۱۳۱ بحثی پیرامون معنای حدیث
- ۱۳۵ گفتار نهم: ابن تیمیه و خصائص دهگانه امیر المومنین علیه السلام

- اشکال اول: ارسال حدیث
 ۱۳۸
- اشکال دوم: جمله «لا ینبغی أن أذهب إلیا و أنت خلیفتی» کذب است
 ۱۳۹
- اشکال سوم: عدم دلالت جانشینی حضرت علی علیه السلام در غزوه تبوک بر افضلیت او
 ۱۴۰
- اشکال چهارم: افضلیت دیگر جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوات بر حضرت علی علیه السلام
 ۱۴۱
- اشکال پنجم: تکذیب حدیث «سد الابواب الا بابه»
 ۱۴۲
- اشکال ششم: تکذیب عبارت «انت ولیّ فی کل مومن بعدی»
 ۱۴۴
- اشکال هفتم: عمومیت دوستی خدا و رسول برای همه مومنان
 ۱۴۵
- اشکال هشتم: عمومیت حدیث منزلت برای همه جانشینان پیامبر علیه السلام در غزوات
 ۱۴۶
- اشکال نهم: تعمیم حدیث «من کنت مولاه فأنّ مولاه علی» نسبت به همه مومنین
 ۱۴۶
- اشکال دهم: ابلاغ سوره توبه توسط حضرت علی علیه السلام به خاطر هاشمی بودن او
 ۱۴۸
- فصل چهارم: دوستان و دشمنان حضرت علی علیه السلام در نظر ابن تیمیه**
 ۱۵۲
- اشکال اول: برتری کمی و کیفی فضائل ابو بکر و عمر از فضائل حضرت علی علیه السلام
 ۱۵۳
- اشکال دوم: تکذیب اکثر روایات منهاج الکرامه
 ۱۵۴
- اشکال سوم: عدم انحصار فضائل حضرت علی علیه السلام به او
 ۱۵۵
- اشکال چهارم: وجود مطاعنی که برای خلفا آمده درباره علی
 ۱۵۷
- اشکال پنجم: برتری دشمنان حضرت علی علیه السلام از دشمنان ابو بکر و عمر
 ۱۵۸
- نکته پایانی
 ۱۶۰
- خاتمه «نتایج پژوهش»
 ۱۶۱
- فهرست منابع
 ۱۶۴

مقدمه :

موضوع:

حضرت علی علیه السلام در عبارات ابن تیمیه «بررسی عبارات مربوط به امیرالمومنین علیه السلام در جزء پنجم منهاج السنه»

تبیین موضوع:

علامه حلی رحمته الله در کتاب منهاج الکرامه به بیان ادله افضلیت و امامت حضرت علی علیه السلام پرداخته و ابن تیمیه با تالیف کتاب منهاج السنه سعی در رد آن ادله نموده است.

در این تحقیق به نقد و بررسی مباحث جزء پنجم منهاج السنه، در بخش های ناظر به ادله امامت و افضلیت حضرت علی علیه السلام پرداخته می شود. بیشتر روایاتی که درباره فضائل آن حضرت در این جزء طرح و نقد گشته در کتب کلامی شیعه کمتر مورد توجه بوده و بر روی اشکالات سندی و دلالتی آن کار عمیقی صورت نگرفته است.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی: حضرت علی علیه السلام در جزء پنجم منهاج السنه ابن تیمیه چگونه معرفی شده اند؟

سوالات فرعی:

تحلیل ابن تیمیه از آیات دال بر امامت و افضلیت حضرت علی علیه السلام چیست؟

دیدگاه ابن تیمیه درباره روایات دال بر امامت و افضلیت حضرت علی علیه السلام چیست؟

دوستان و دشمنان حضرت علی علیه السلام در نظر ابن تیمیه چگونه اند؟

سوالات فرعی تر:

تحلیل ابن تیمیه از آیه تطهیر چیست؟

دیدگاه ابن تیمیه درباره آیه نجوی چیست؟

نظر ابن تیمیه درباره حدیث وصایت چیست؟

فرضیه تحقیق:

نظرات ابن تیمیه در منهاج السنه، در مواجهه با ادله امامت و افضلیت حضرت علی علیه السلام مغرضانه و به دور از انصاف است و احادیث صحیح السنه و تام الدلاله با توجیحات بی اساس توسط وی رد شده اند.

پیشینه تحقیق:

درباره آراء و عقائد ابن تیمیه، نقدهای بسیاری از شیعه و سنی نوشته شده است و مسائلی از قبیل توحید و شرک، تبرک، شفاعت و... مورد واکاوی علمی قرار گرفته است.

عقائد ابن تیمیه درباره اهل بیت علیهم السلام به خصوص علی علیه السلام نیز توسط برخی محققین مورد نقد قرار گرفته است مانند کتاب گران سنگ الغدیر تألیف علامه امینی رحمته الله و کشف الارتیاب تألیف سید محسن امین رحمته الله.

درباره خصوص کتاب منهاج السنه نیز برخی قلم نقادی دست گرفته و به صورت کلی به بررسی آن پرداخته اند مانند «نظره فی کتاب منهاج السنه» تألیف علامه امینی رحمته الله و «دراسات فی منهاج السنه» تألیف سید علی میلانی. لکن این کتاب ها به صورت کلی و اجمالی به نقد منهاج السنه پرداخته اند و به تمام اشکالات ابن تیمیه پاسخ نداده اند. کتابی که به خصوص، جزء پنجم منهاج السنه را نقد نموده باشد و به تفصیل، مطالبی که پیرامون حضرت علی علیه السلام در این جزء مطرح شده را نقد کرده باشد، در دست محقق قرار نگرفت.

اهمیت و جایگاه تحقیق:

این تحقیق از چند جهت حائز اهمیت است:

اول به خاطر مسئله امامت حضرت علی علیه السلام که مهمترین اصل مذهب تشیع است و ادله امامت و افضلیت آن حضرت و یا رد بر این ادله برای همه مسلمین مخصوصاً شیعه اهمیت دارد.

دوم به خاطر ابن تیمیه که از علمای برجسته سلفیه است و آراء و عقائد او منشاء بسیاری از عقائد وهابیت به شمار می آید و در میان مسلمانان ترویج می شود. لذا بررسی نظرات وی پیرامون علی علیه السلام ضروری است، خصوصاً اینکه کتاب مهم وی یعنی منهاج السنه متن اصلی این تحقیق قرار گرفته است.

سوم اینکه اکثر روایات مطرح شده در جزء پنجم منهاج السنه که محور این تحقیق می باشد، کمتر مورد بررسی واقع شده و در کتاب های کلامی شیعه تحقیق کافی بر روی سند و دلالت آنها انجام نشده است. لذا بررسی این احادیث و نقدهای ابن تیمیه بر آن از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود.

روش تحقیق:

روش تحقیق، عقلی نقلی است، البته در اکثر مطالب از روش نقلی بهره برده شده است. مطالب به صورت تحلیلی آمده و اطلاعات به روش کتابخانه ای، از قرآن کریم و کتب معتبر اهل سنت جمع آوری شده است. در هر قسمت ابتدا دلیل علامه حلی رحمته الله علیه، سپس ردّ ابن تیمیه و بعد نقد و بررسی آن آمده است.

مشکلات تحقیق :

نگارنده برای برخی از اشکالات ابن تیمیه در جزء پنجم منهاج السنه پاسخی در کتب کلامی نیافت و با تحلیل متن روایت یا قرائن دیگر پاسخ را به دست آورد. همچنین برخی از احادیث اشکال سندی داشت و کتاب های مربوطه مثل «احقاق الحق» و «نفحات الازهار» تنها طرق متعدد آن را نقل کرده بودند و از بررسی روات آن امتناع نموده بودند، و برخی احادیث سند نداشت و تنها منابعی که این حدیث را ذکر کرده بودند در مقام احتجاج مطرح شده بود. نگارنده در این قسمت سعی کرد در میان این نقل ها، روایت صحیح یا حسن پیدا کند و تضعیف وارد شده بر راوی را با دلیل ردّ نماید. لکن از آنجا که بسیاری از رجالیون اهل سنت، تشیع و یا زیاد نقل کردن فضائل حضرت علی علیه السلام را نوعی ضعف راوی به حساب می آورند تصحیح روایاتی که فضائل آن حضرت را بیان می کند بر اساس منابع رجالی اهل سنت دشوار است، که این مهم در حدّ بضاعت نا چیز نگارنده تحقق یافت، و من الله التوفیق.

فصل اول: کلیات

ابن تیمیه کیست؟

یکی از کسانی که در طول چندین قرن، مورد توجه خاص وهابیان قرار گرفته و برای او ارزش فراوانی از نظر علمی قائلند، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم معروف به «ابن تیمیه» است.

وی در شهر حرّان در سال ۶۶۱ ه. ق متولد شد و در سال ۷۲۸ ه. ق در دمشق وفات یافت. در خانه‌ای پرورش یافت که اعضای آن بیش از یک قرن پرچم‌دار مذهب حنبلی بوده‌اند. او بعد از شش سال با سایر اعضای خانواده‌اش از شهر خود به جهت هجوم تاتار هجرت کرده وارد دمشق شد. در آنجا برای پدرش موقعیت تدریس در مسجد جامع دمشق فراهم گشت و به تربیت دانش پژوهان پرداخت. ابن تیمیه در ابتدا نزد پدرش مشغول به تحصیل شد و سپس اساتیدی را برای خود انتخاب نموده و از آنان بهره‌مند گشت. برخی از اساتید او عبارتند از: احمد بن عبدالدائم مقدسی، ابن الصیرفی، ابن ابی الیسر تنوخی، و ابن ابی الخیر. وی در دمشق، مصر و ثغر کرسی تدریس داشت و به خاطر سخنان خود بارها به زندان افتاد. در مصر و اسکندریه یک بار و در دمشق دو بار محبوس شد و در همان جا درگذشت و در کنار برادرش شرف الدین عبدالله در قبرستان صوفیه به خاک سپرده شد.^۱

وی در زمینه‌های مختلف از قبیل: تفسیر، فقه و عقاید تدریس داشت، لکن به خاطر کج سلیقگی و انحرافی که داشت درصدد مخالفت با عقاید رایج مسلمین برآمد و با تمام مذاهب رایج در آن زمان به مخالفت

۱ - تذکره الحفاظ، جزء ۴، ص ۱۹۲، ترجمه ۱۱۷۵.

برخاست و نظرات اعتقادی و فقهی‌اش برای او مشکل‌ساز شد. در جواب نامه‌ها و سخنان خود اعتقاداتش را که با عقاید عموم مسلمین سازگاری نداشت از قبیل تجسیم، حرمت زیارت قبور اولیا، حرمت استغاثه به ارواح اولیای خدا، حرمت شفاعت، حرمت توسل و... ابراز می‌کرد. ابن تیمیه در عقاید دینی متکی به ظاهر قرآن و حدیث بود. فلاسفه را در قول به قدم عالم تکفیر می‌کرد و بر کسانی که صفات باری تعالی را عین ذات او می‌دانند می‌تاخت و منکر حسن و قبح عقلی بود. وقتی افکار و عقاید او به علمای عصرش رسید با او به مخالفت برخاسته و از نشر آن ممانعت کردند.^۱

ابن کثیر، یکی از شاگردان ابن تیمیه می‌گوید: در روز هفتم شعبان مجلسی در قصر حاکم دمشق برگزار شد. در آنجا همه متفق شدند که اگر ابن تیمیه دست از افکار باطلش برندارد او را زندانی کنند، لذا با حضور قضات او را به قلعه‌ای در مصر فرستادند. شمس‌الدین عدنان با او به مباحثه پرداخت. در آن جلسه عقاید خود را ابراز نمود و به حکم قاضی او را چند روز در برجی حبس نموده و سپس او را به زندان معروفی به نام «جب» منتقل ساختند.^۲

وی می‌گوید: در شب عید فطر همان سال، امیر سیف‌الدین سالار نائب مصر، قضات سه مذهب را با جماعتی از فقها دعوت نمود، به پیشنهاد آنان قرار شد که ابن تیمیه از زندان آزاد گردد. البته به شرطی که از عقاید خود برگردد. کسی را نزد او فرستادند و با او در این زمینه صحبت نمودند ولی او حاضر به پذیرش شروط نگشت. سال بعد نیز ابن تیمیه هم چنان در «قلعه الجبل» مصر زندانی بود، تا آن که او را در روز جمعه ۲۳ ربیع الاول از زندان آزاد کرده و مخیر به اقامت در مصر یا رفتن به شام نمودند. او اقامت در مصر را برگزید، ولی دست از افکار خود برنداشت.

در سال ۷۰۷ ه. ق باز هم به جهت نشر افکارش از او شکایت شد. در مجلسی ابن عطا بر ضد او اقامه دعوا کرد، قاضی بدرالدین بن جماعه متوجه شد که ابن تیمیه نسبت به ساحت پیامبر ﷺ گستاخی می‌کند، لذا نامه‌ای به قاضی شهر نوشت تا مطابق دستور شرع با او رفتار شود. با حکم قاضی دوباره به زندان رفت، ولی بعد از یک سال آزاد شد. در قاهره باقی ماند تا آن که سال ۷۰۹ ه. ق او را به اسکندریه تبعید کردند. در آنجا هشت ماه توقف کرد و بعد از تغییر اوضاع، روز عید فطر سال ۷۰۹ ه. ق به قاهره بازگشت و تا سال ۷۱۲ ه. ق در آنجا اقامت داشت تا آن که به شام بازگشت و در آنجا وفات یافت.^۳

۱ - سلفی‌گری و پاسخ به شبهات، ص ۴۵.

۲ - البدایه و النهایه، ج ۱۴، ص ۴.

۳ - البدایه و النهایه، ج ۱۴، ص ۵۲.